

Investigating The Effective Factors on The Teaching Effectiveness of Primary Teachers in Sarein City in The Academic Year 2023-2024

Adel Mahmoudi¹, Nader Heidari Raziabad²

1.Master of Educational Management, Ardabil Azad University, Ardabil, Iran.

2.Ph.D. Student in Educational Management, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

*Corresponding Author: Adel Mahmoudi, E-mail: mah4961352@gmail.com

Abstract

Background and Aim: The purpose of this research is to investigate the factors affecting the teaching effectiveness of primary teachers in Sarein city in the academic year of 1401-1402.

Methods: In this study, the research method used is based on quantitative paradigm. In terms of collecting data and information, the research is considered a descriptive (non-experimental) type of research, which is considered among the descriptive methods in the survey category. The statistical population of this research is all the teachers and principals of primary school teachers in Sarein city. who were teaching in the schools of Sarein city in the academic year of 2023-2024, due to the smallness of the statistical population, all people were selected as samples. To measure the researched variable, the questionnaire "Evaluation of effective factors on effective teaching" (Nasrallah Erfani, 2018) was used. Data was analyzed with spss software. Spearman's correlation test was used to analyze the hypotheses.

Results: The findings of the research showed that between the components of comprehensive approach to teaching ($r=0.844$, solving learning problems ($r=0.934$), having a lesson plan ($r=0.847$), creating learning and participation ($r = 0.880$), evaluation ($r = 0.916$), positive reinforcement and effective teaching ($r = 0.863$), creating a suitable atmosphere ($r = 0.889$), time management and effective teaching ($p < 0.01$, $r=0.859$) there is a positive and significant relationship.

Conclusion: The results indicate that teachers' competencies in time management, solving learning problems, designing and implementing appropriate lesson plans, creating a participatory environment, and utilizing positive reinforcements all contribute to enhancing the quality and effectiveness of teaching. Based on these findings, it is recommended that training programs for teachers be designed to strengthen these components, leading to more effective and successful teaching in the schools of Sarin County.

Keywords: effective teaching, evaluation and lesson plan.

DOI: 10.22098/pbeo.2025.14111.1035

Received: 2024/03/09

Accepted: 2024/05/05

بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش آموزگاران ابتدایی شهرستان سرعین

عادل محمودی، نادر حیدری رضی آباد^۲

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: عادل محمودی، رایانامه: mah4961352@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف از تحقیق حاضر بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش آموزگاران ابتدایی شهرستان سرعین در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ می باشد.

روش: در این مطالعه روش پژوهش مورد استفاده بر مبنای پارادایم کمی است. پژوهش از نظر گردآوری داده ها و اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) به حساب می آید که از بین روش های توصیفی در دسته پیمایشی مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه معلمان و مدیر آموزگاران مقطع ابتدایی شهرستان سرعین می باشد. که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مدارس شهرستان سرعین مشغول به تدریس بودند به علت کم بودن جامعه آماری کلیه افراد به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه گیری متغیر مورد پژوهش از پرسشنامه «بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش» (نصراله عرفانی، ۱۳۹۸) استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS تحلیل شد. برای تحلیل فرضیه ها از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته ها: یافته های تحقیق نشان داد که بین مؤلفه های جامع نگری بر تدریس ($r=0/844$)، حل مشکلات یادگیری ($r=0/934$)، داشتن طرح درس ($r=0/847$)، ایجاد یادگیری و مشارکتی ($r=0/880$)، ارزشیابی ($r=0/916$)، تقویت کننده های مثبت و تدریس اثربخش ($r=0/863$)، ایجاد روحیه و جو مناسب ($r=0/889$)، مدیریت زمان و تدریس اثربخش ($p<0/01$, $r=0/859$) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهند که توانمندی های معلمان در مدیریت زمان، حل مشکلات یادگیری، طراحی و اجرای طرح درس های مناسب، ایجاد فضای مشارکتی و استفاده از تقویت کننده های مثبت، همگی بر ارتقای کیفیت تدریس و اثربخشی آن تأثیر دارند. بر این اساس، پیشنهاد می شود که برنامه های آموزشی برای معلمان با هدف تقویت این مؤلفه ها طراحی شود تا تدریس اثربخش تر و موفق تری در مدارس شهرستان سرعین حاصل گردد.

واژه های کلیدی: تدریس اثربخش، ارزشیابی و طرح درس.

DOI: 10.22098/pbeo.2025.14111.1035

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

مقدمه

نظام آموزشی هر جامعه‌ای نقش اساسی در رشد و توسعه پایدار آن ایفا می‌کند و کیفیت تدریس آموزگاران به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر یادگیری دانش‌آموزان همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی بوده است (سانکار و همکاران، ۲۰۲۱). تدریس اثربخش، به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن آموزگاران بتوانند دانش، مهارت و نگرش‌های مطلوب را به شکلی پایدار و عمیق در دانش‌آموزان نهادینه کنند. این امر مستلزم درک صحیح از عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش و به کارگیری شیوه‌های مناسب آموزشی است (مین و همکاران، ۲۰۲۱). در بین کلیه وظایفی که آموزش و پرورش بر عهده دارد، می‌توان آموزش یا تدریس را یکی از وظایف اساسی دانست که با سایر وظایف رابطه‌ای تعاملی دارند و در واقع می‌تواند به عنوان زیر بنای سایر وظایف آموزش و پرورش بحساب آید. طبق نظر براون (۱۹۹۸)، درس دادن هرچه باشد تلاشی است چند جانبه که شامل اطلاع رسانی، پرسش و پاسخ، توضیح دادن، گوش دادن، تشویق و ترغیب کردن و مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیگر می‌شود. تدریس اثربخش معلم یکی از مهم‌ترین عواملی است که در نهایت منجر به یادگیری بهتر فراگیران می‌شود. تدریس اثربخش باید فعالیتی منظم و مرتب و هدفدار باشد و هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری باشد و معلم و دانش‌آموز بر هم تأثیر بگذارند. به طور کلی می‌توان گفت تدریس اثربخش تدریسی است که در آن تعلیم دهنده و تعلیم گیرنده هر دو در جریان آموزش نقش داشته باشند. معلم (تعلیم دهنده) از نوین‌ترین و بهترین روش‌ها برای ارائه مطالب آموزشی استفاده کند به طوری که ذهن و خلاقیت دانش‌آموز (تعلیم گیرنده) برانگیخته شود و بتواند علاوه بر درک مطالب در مورد آن‌ها اظهار نظر کند و یا حتی آن‌ها را مورد انتقاد قرار دهد (راستگو و احمدی، ۱۳۹۹). معلم بازیگر صحنه آموزش است در این صحنه معلمی، موفق‌تر است که آگاهی و دانش بیشتری داشته باشد و بتواند آنچه را که می‌داند با بیانی شیوا و اثرگذار به مخاطبش ارائه نماید (حسین‌زاده و محمدی خانقاهی، ۱۳۹۴). بر اساس یافته‌های پژوهشی و دیدگاه معلمان، تحقق تدریس اثربخش و کار تدریس بستگی به عوامل متعددی از قبیل تهیه طرح درس، مدیریت زمان کلاس، تقویت کننده‌های مثبت، چگونگی ارزشیابی، ایجاد روحیه و جوی مناسب در دانش‌آموزان، ایجاد جو یادگیری مشارکتی و حل مشکلات یادگیری معلم دارد. یکی از عوامل اثربخشی معلم در تدریس در شرایط مختلف، تهیه طرح درس قبل از شروع فرآیند یاددهی است اسکریونر (۲۰۱۳). طرح درس را به عنوان یک مهارت تفکر توصیف می‌کند که معلم برای دستیابی به نتایج یادگیری مورد نظر باید در تهیه آن، اهداف و راهبردهای تدریس، فضای مشخص درس، دانش‌آموزان، وسایل کمک آموزش، تجهیزات و... را در نظر بگیرد. هدف اصلی از طرح درس این است که معلم قبل از شروع تدریس باید بداند که چگونه مطالب را با تسلط بر تعدادی مهارت و اصولی که به آن‌ها در ارائه موفقیت‌آمیز درس‌هایشان کمک می‌کند، آموزش دهند (فارج، ۲۰۱۸). مؤلفه بعدی تأثیر گذار در تدریس اثربخش تقویت کننده‌های مثبت است والبرگ به نقل از عرفانی (۱۳۹۴) سیستم پاداش و تقویت رفتارهای مثبت که ریشه در رفتار گرایی دارد می‌تواند در شکل‌گیری یا تعدیل و اصلاح رفتارهای مرتبط با یادگیری نقش اساسی داشته باشد. معلم با استفاده از این ابزار و سایر ابزارها، کنترل و هدایت جریان یادگیری را بر عهده خواهد داشت (عرفانی، نصراله، ۱۳۹۸). در تدریس باید از محرکها و وسایل انگیزشی متنوع و جذاب استفاده کرد آنگاه در تعیین این محرکها به نیاز دانش‌آموزان توجه کنیم دانش‌آموزان را به تلاش بیشتر تحریک می‌کند همچنین نباید از منبع انگیزشی یکسان برای همه دانش‌آموزان استفاده کرد چون دانش‌آموزان نیازهایی که دارند باهم فرق می‌کند (عبدالملکی، صابر، ۱۳۹۶). مؤلفه بعدی در تدریس اثربخش،

تدریس جامع‌نگری است. نظر به اینکه یادگیری، لوازم و شرایط متعددی را می‌طلبد و هر یک از روش‌های تدریس، به بعضی از این لوازم و شرایط توجه دارند و هدف‌های خاصی را دنبال می‌کنند، بهتر است از انواع روش‌های تدریس استفاده شود. بعید به نظر می‌رسد که بتوان صرفاً با تکیه بر یک روش به هدف‌های آموزشی مطلوب دست یافت. به عنوان مثال، روش «درک مفهوم» ویژگی‌های ذاتی یک مفهوم را می‌شناساند، روش بحث گروهی ابعاد مختلف یک مسأله را در یک فعالیت گروهی دانش‌آموزی آشکار می‌سازد و روش ایفای نقش نگرش‌ها را عوض می‌کند و غیره. بنابراین بهتر است، در تدریس یک مفهوم یا یک مسأله از چند روش به‌طور ترکیبی استفاده کنیم تا یادگیری مؤثر و مفید انجام پذیرد (عبدلی محمد، ۱۳۹۵). یکی از مؤلفه‌های دیگر تأثیر گذار در تدریس اثربخش، ایجاد جویادگیری و مشارکتی است. محیط یادگیری مثبتی ایجاد کنید تا تدریس اثربخش باشد حفظ رفتار دوستانه در طول روز می‌تواند به ایجاد فضایی خوشایند کمک کند. معلمان اثربخش درک می‌دانند که جدای از حرفه آکادمیکشان، می‌توانند نقش مهمی در زندگی دانش‌آموز ایفا کنند. ارائه پشتیبانی در کلاس برای نیازهای اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان مانند تشویق کار گروهی و ارائه توصیه‌های مفید در خارج از زمان کلاسی می‌تواند بسیار مفید باشد. حفظ رفتار دوستانه در طول روز می‌تواند به فضای کلاس شما برای همه دانش‌آموزان خوشایند کمک کند. معلمان مؤثر درک می‌کنند که می‌توانند نقش مهمی در زندگی دانش‌آموزان ایفا کنند، جدای از حرفه آکادمیک آن‌ها. ارائه پشتیبانی در کلاس برای نیازهای اجتماعی و عاطفی آن‌ها، مانند تشویق کار گروهی در طول فعالیتها و ارائه توصیه‌های مفید در خارج از دوره‌های کلاس، ممکن است مفید باشد (درخشی نژاد، پارسی تبار، ۱۴۰۰). دانش‌آموزان در فرایند آموزش معلمانی را ترجیح می‌دهند که رابطه گرم و دوستانه‌ای با آن‌ها داشته باشد (کلن، ۱۹۹۸). قوانین کلاسی هم باید خیلی خشک نباشد وقتی دانش‌آموزان در ایجاد قوانین کلاس مشارکت کنند باین کار تعهدشان به قوانین بیشتر و جومناسی را برای تدریس فراهم می‌کنند (عبدالملکی وهمکاران، ۱۳۹۸). مقوله مهم و ارزشمند در بحث تدریس اثربخش، ارزشیابی است. ارزشیابی مشخص می‌کند معلم چقدر توانسته، اهداف تعیین‌شده را محقق کند و در رسیدن به اهداف آموزشی موفق بوده است (آقاحسینی، ۱۳۸۴). ارزشیابی توصیفی یا کیفی را می‌توان آموزش بدون نمره دانست که به‌جای تأکید بر ارزشیابی‌های پایانی بر ارزشیابی‌های تکوینی (مستمر) تأکید دارد. در رویکرد کیفی، ارزشیابی و تدریس، درهم‌تنیده‌اند و به‌طور مستمر، ارزشیابی باعث بهبود و اصلاح تدریس شده و تدریس اصلاح‌شده، نتایج ارزشیابی را ارتقا می‌دهد؛ زیرا شناخت نقاط قوت و ضعف یادگیری دانش‌آموزان توسط معلمان، در تمرکز تدریس تغییر می‌یابد. بنابراین برخلاف ارزشیابی کمی، ارزشیابی توصیفی خدمت به آموزش است، نه در کمین نشستن برای غافل‌گیر کردن دانش‌آموزان و محک زدن آن‌ها با معیار آنچه نمی‌دانند (مرتضوی، گویا، ملکی، حسنی و غلام‌آزاد، ۱۳۹۹). مؤلفه تأثیر گذار بر تدریس اثربخش ایجاد روحیه وجو مناسب است برای تدریس اثربخش از دامنه آموزشیتان لذت ببرید. معلمانی که برای کارشان اشتیاق و علاقه زیادی دارند می‌توانند به دانش‌آموزانشان الهام ببخشند و روحیه دهند. استفاده از برنامه ریزی درسی جذاب برای اینکه به دانش‌آموزان نشان دهید که روی رشد تحصیلی آن‌ها سرمایه گذاری کرده‌اید و به آن اهمیت می‌دهید بسیار مهم است. دانش‌آموزان از اینکه بدانند با اشتیاق تدریس می‌کنید قدردانی می‌کنند برقرار ارتباط با دانش‌آموز، عامل مهم در افزایش تأثیر تدریس توجه به زندگی و علایق دانش‌آموزان می‌تواند به شما در ایجاد روابط مثبت کمک کند. اگرچه حفظ مرز بین زندگیتان در خانه و محل کار مهم است، برخی از معلمان نیز علایقشان را با دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذارند. سعی کنید به‌طور مکرر با خانواده دانش‌آموز ارتباط برقرار کنید تا اطلاعات بیشتری در مورد آن‌ها داشته باشید و بتوانید از زمانتان هنگام بحث در مورد پیشرفتشان نهایت استفاده را

ببرید (درخشی نژاد، عزیزو پارسی تبار، محمدرضا، ۱۴۰۰). (کرافت، ۲۰۰۸) در واقع شادی همانند ثروتی است که می توان آن را از دست داد و یا اینکه بر آن افزود. با استفاده از روش های شادی بخش در جریان آموزش و برنامه ریزی آموزشی فراگیران، می توان علاوه بر ایجاد محیطی رضایت بخش برای دانش آموز، با بسیاری دیگر از مشکلات از جمله میزان غیبت، دیرآمدگی، بی حوصلگی و کسالت در کلاس درس، امراض جسمی و روحی و در نهایت مسأله افت تحصیلی، مقابله شود و محیطی فراهم شود که امکانات فراگیری مؤثر دانش آموز در نظر گرفته شود. لذا توجه به تأثیر روش های شادی بخش در برنامه ریزی آموزشی دوره های مختلف تحصیلی ضروری به نظر می رسد. (نیاز آذری، کیومرث، ۱۳۹۳). ایجاد علاقه و جذب دانشجویان: بر اساس این زیر مقوله استاد باید در دانشجویان نسبت به درس و یادگیری ایجاد علاقه و انگیزه کند به دانشجویان امید بدهد آن ها را در مسائل مختلف سردرگم ننماید. ایجاد کلاس مطلوب: براساس این زیر مؤلفه در تدریس اخلاقی استاد باید بتواند کلاسی بانشاط و پر انگیزه ایجاد کند واز خمودگی و خستگی در کلاس بکاهد. به علاوه استاد باید در کلاس دیدی محقرانه به دانشجویان نداشته باشد و کلاس را به فضایی برای یادگیری متقابل تبدیل کند (مطلبی فرد، ۱۳۹۰). از عوامل مهم تدریس اثربخش مقوله حل مشکلات یادگیری است حل مشکلات یادگیری معلمان اثربخش استانداردهایشان را به دانش آموزان منتقل می کنند و آن ها را در رویه هایشان به کار می گیرند. ممکن است آن ها استانداردهایی را برای رسیدگی بهتر به سبک های مختلف یادگیری تنظیم کنند و مطمئن شوند که هردانش آموزی می تواند به اهداف اش دست پیدا کند. به عنوان مثال، اگر دانش آموزی مشککش در رابطه با نمره های را با شما درمیان بگذارد، یک تکنیک آموزشی سازنده شامل گوش دادن به نگرانیهای و تلاش برای رفع آن است (درخشی نژاد، عزیز، پارسی تبار، محمدرضا، ۱۴۰۰). تصمیم گیری یعنی چه اقدامی را چگونه، چه وقت و به وسیله ای، چه کسی باید انجام داد اقدام یعنی، عملی که در کلاس درس تحقق می پذیرد؛ مانند تأکید بر نکته های تدریس، استفاده از تخته سیاه و مهارت های اساسی و ضروری برای مدیریت کلاس درس، به منزله اتخاذ تصمیم مناسب و تبدیل آن به اقدامی مؤثر است مدیریت کلاس درس زرهی نیست که معلمان از نخستین روز تدریس بر تن کنند و خود را در برابر مشکلات کلاس و چالش ها ایمن سازند، بلکه مهارتی است که هرروز با تجربه و تأمل و دقت معلم در کلاس کامل می شود و معلم را در امر تدریس کار آمدتر می سازد (افشارنیا، عباسی و دسترنج، ۱۳۹۷). از عوامل مهم و دیگر تدریس اثربخش مؤلفه مدیریت زمان یاد دهی - یادگیری است بیوکس (۲۰۰۶) معتقد است یکی از چالش های معلمان کلاسها مهارت در مدیریت زمان است. مدیریت زمان به فعالیتهایی اشاره می کند که استفاده مؤثر از زمان رابه منظور تسهیل بهره وری و کاهش استرس به عهده دارند. مدیریت زمان به معنای حداکثر استفاده از زمان برای بهره وری و موفقیت است؛ مدیریت زمان شامل تهیه و اجرای جدول زمانی برای فعالیتهای مختلف آموزشی از قبیل؛ تدریس مواد درسی، مشاوره و راهنمایی معلمان، تخصیص زمان به فعالیتهای فردی دانش آموزان، سازماندهی و آماده سازی فعالیتهای فوق برنامه است (مرتضوی زاده، ۱۴۰۰). ویلیامز و استرنبرگ (۲۰۰۲) معتقدند یکی از جنبه های مهم آمادگی حرفه ای معلم در کنترل زمان و داشتن برنامه ای منظم برای هر ساعت از کلاس درس است؛ بنابراین با تهیه طرح درس و تعیین برنامه های کلاسی می توان این کار کرد را متحقق نمود. در هر حال باید دانست که تدریس یک پایه قوی علمی و نظری دارد که طراحی آن را به هر فردی که قرار است مطلبی را آموزش دهد توصیه می کنند. طبق تجارب شخصی محقق اغلب معلمان این دوره، تدریس در دوره ابتدایی با مشکلاتی مواجه هستند که شناسایی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش به عنوان یکی از مشغله های ذهنی محقق در طول خدمت ۲۱ ساله در مقطع ابتدایی است و عواملی که موجب بیان مسئله گردد و محقق به آن پردازد عبارتند از:

۱- معلمان و چالش تدریس اثربخش: معلمان در طول خدمت خود با یک چالش اساسی مواجهند و آن دغدغه دستیابی به «تدریس اثربخش» است؛ تلاش برای تحقق بخشیدن به فعالیتی که متضمن انتقال پیام، هدایت، اطلاع رسانی، مشاوره، تسهیل گری، حمایت، روشننگری، اندیشیدن و به طور کلی پرورش احساسات و تخیل و تعقل دانش آموزان است. اما در پاسخ گویی به این چالش مهم، با موانع و مشکلات ساختاری و بنیادی در نظام آموزش و پرورش رسمی روبه رو هستند. معلم از یک طرف، در کسوت یک شاغل حقوق بگیر باید تابع سلیقه های مدیریتی افراد بالادستی و اسناد مرتبط باشد و در تراز نسبی شرح وظایفی که تعریف می کنند، بگنجد و در نهایت تخته بند شکل و محتوایی بشود که بسان ماشین غول آسایی در کار یکدست کردن فعالیت آن ها و دانش آموزانشان است. این مسئله بسیاری از خلاقیت ها را سرکوب کرده و همراه شتاب تغییرات ناخواسته و روزافزون جامعه، فرصت اندیشیدن عمیق را از آن ها سلب کرده و آن ها درگیر سیکل معیوب روزمرگی و یکنواختی شده اند. (عظیمی، ۱۳۹۸).

۲- ضعف و مشکل یادگیری دانش آموزان ابتدایی عدم تدریس اثربخش از جانب آموزگار: معلم با قوانین سخت و خشک مابانه و سخنرانی خسته کننده و متکلم الوحده بودن در امر تدریس بدون استفاده از تشویق و تقویت کلامی، مشارکت دانش آموزان و عدم استفاده از طنز، شوخی و بازی های متنوع (کلمات پر جنب و جوش و پویا) که منجر به ضعف و مشکل یادگیری دانش آموزان ابتدایی می شود.

۳- کیفیت پایین تدریس: کیفیت تدریس به مجموعه ای از عوامل بستگی دارد که مهم ترین آن ها محیط پرانگیزاننده از لحاظ فکری و دومی وجود حداقل شرایط لازم جهت اجرای فعالیت های آموزشی سومی مشکلات بیرونی و داخلی آموزش و پرورش من جمله متکی بودن هزینه های تعلیم و تربیت به دولت و افزایش سطح توقعات مردم برای مطالبه آن، کمبود منابع مالی برای ساخت، تجهیزات آموزشگاه ها و عدم پویایی مدیریت مدارس به ویژه در زمینه جلب مشارکت اولیا و معلمان برای اداره بهتر مدارس، کم اثربخش بودن برنامه های درسی موجود، به علت مبتنی نبودن در نتایج تحقیقات علمی و عدم انطباق با دانش و فناوری روز. و عدم انگیزه و علاقه آن ها برای تدریس فعال در کلاس های درس و در نتیجه کمبود نشاط در مدرسه و کیفیت پایین تدریس می شود.

۴- افت تحصیلی: دلایل افت تحصیلی عبارت اند از: ترس از شکست یا عدم اعتماد به نفس یا عزت نفس می تواند از ایجاد یک دانش آموز در نقاط قوت خود جلوگیری کند اعتماد بیش از حد می تواند مانع از تأیید و بهبود نقاط ضعف دانش آموزان شود. و دیگری هم عدم استفاده از تشویق و به موقع از طرف والدین و معلمان.

۵- معایب ارزشیابی توصیفی و کیفی: ارزشیابی توصیفی با اینکه مزایای بیشتری دارد ولی معایبی هم دارد که از جمله برخی از دانش آموزان ابتدایی بدون اینکه پایه فعلی را خوب یاد بگیرند به پایه بالاتر ارتقا می یابند و موجب افت تحصیلی، بی سواد، بی نظمی در تدریس و اتلاف وقت کلاس درس معلم و سایر دانش آموزان می شود؛ و در این صورت ارزشیابی توصیفی باعث بی رغبتی و دلسردی دانش آموزان زرننگ می گردد چرا که خود به خود به این نتیجه می رسند که دانش آموز تبل و زرننگ هر دو به پایه بالاتر ارتقا می یابند..

از طرفی طبق پژوهش مریم بهجتی (۱۳۹۴)، هر ساله سهم عظیمی از بودجه آموزش و پرورش را برای دوره آموزش ابتدایی داده می شود. استفاده از عوامل مؤثر و اثربخش بر تدریس علاوه بر افزایش بازدهی یادگیری، از اتلاف وقت دانش آموزان به عنوان سرمایه اجتماعی نیز جلوگیری می کند. با توجه به ضرر مالی و معنوی ناشی از عدم جامع نگری در تدریس، بحث لاینحل ماندن

مشکلات یادگیری کلاس های درس دوره ابتدایی یکی از عرصه هایی است که دغدغه های زیادی را برای متولیان و صاحب نظران آموزشی ایجاد کرده است از این رو، بررسی به این موضوع باید در اولویت قرار گیرد. ضرورت و اهمیت چنین رویکردهایی محقق را بر آن می دارد تا ضمن بها دادن به تجربیات تدریس مدرسان و معلمان مجرب و تازه کار، فهرستی از مهم ترین عوامل را که معلمان برای برخورد با وقایع تدریس بدان نیاز دارند را با روش های علمی تهیه و پیشنهادات سازنده ای را بر اساس آن به منظور افزایش اثربخشی تدریس و کیفیت بخشی به فرآیند یاددهی - یادگیری و کارکردهای آن ارائه نماید. لذا، پژوهش حاضر باهدف شناسایی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش معلمان ابتدایی شهرستان سرعین انجام شد.

عبدالملکی، صابر (۱۳۹۸) با پژوهشی بااین عنوان "مؤلفه های اثرگذار بر تدریس اثربخش معلمان مطالعه مورد: معلمان پایه پنجم دوره ابتدایی شهر تهران" ویژگی های اخلاقی و شخصیتی معلمان، ویژگیهای تخصصی، مهارت های تدریس، ارزشیابی آموزشی، کنش روانشناسانه و مدیریت کلاس معلمان در تدریس اثربخش است.

عرفانی، نصراله (۱۳۹۸) با پژوهشی بااین عنوان "تدوین و اعتباریابی پرسشنامه تدریس اثربخش آموزگاران" قاعدتاً ارزشیابی حلقه نهایی تدریس که نقش مهمی در یافتن نقاط ضعیف و قوت تدریس دارد و همچنین اجرای تدریس مناسب ناظر به جامع نگری و ژرف اندیشی معلم، در ارائه مباحث درس دارد.

محمودی، محمد (۱۳۹۴) پژوهشی باعنوان "تدوین و اعتباریابی مدل تدریس اثربخش برای اساتید دانشگاه تبریز" انجام داده اند به این نتایج رسیدند که مهارت های حرفه ای تدریس، قدرت ارتباط با دانشجو، تسلط بر مواد - محتوای درسی و ارزشیابی را بعنوان مؤلفه های تدریس اثربخش شناختند.

پترویچی (۲۰۱۲) در مطالعه ای که با عنوان روش های مؤثر یادگیری و تدریس انجام داده است به این نتیجه دست یافته که، بهترین اثر تدریس هنگامی نمایان می شود که سیستم های حسی اصلی درگیر باشند. همچنین بیان می دارد که سیستم حسی مطلوب سبک یادگیری را تعیین می کند زیرا حس یک حالت خوش است که یادگیری را بر می انگیزد.

اسکیلر (۲۰۰۸) مدلی را برای بهبود مهارت های تدریس مؤثر ارائه داده است که بر اساس آن مدرس باید از بازخوردهای فوری کلاسی استفاده کند و رویکردی را برای مشارکت دادن دانشجویان در تدریس به کار برد و در اجرای مهارت های تدریس با توجه به بازخورد دریافت شده از دانشجویان در ارائه روش های تدریس اصلاحات مداوم داشته باشد. پلک (۲۰۰۶) در مقاله بررسی آموزش هنر در خصلت معلم موثر نشان داد؛ دانش حرفه ای، حرفه ای گری، مهارت های ارتباطی، عملکرد خوب و ارزشیابی از مؤلفه های تدریس اثربخش می باشد.

در شهرستان سرعین، با توجه به شرایط جغرافیایی و فرهنگی خاص، بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش آموزگاران ابتدایی ضرورت بیشتری می یابد. این عوامل می توانند شامل ویژگی های فردی آموزگاران (مانند دانش تخصصی، تجربه تدریس، مهارت های ارتباطی و انگیزه شغلی)، محیط آموزشی (نظیر امکانات مدرسه، حجم کلاس های درسی، دسترسی به منابع کمک آموزشی) و روش های تدریس (به کارگیری فناوری های آموزشی، روش های فعال یادگیری، مدیریت کلاس و ارزشیابی) باشند. همچنین، سیاست های آموزشی و حمایت های مدیریتی نیز در بهبود کیفیت تدریس نقش بسزایی دارند. با وجود اهمیت موضوع، به نظر می رسد که پژوهش های محدودی به بررسی جامع این عوامل در شهرستان سرعین پرداخته اند. عدم شناخت کافی از موانع و تسهیل گران تدریس اثربخش می تواند منجر به کاهش کیفیت یادگیری دانش آموزان، افت تحصیلی و کاهش انگیزه شغلی آموزگاران شود. از این رو، این پژوهش به دنبال شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر تدریس

اثربخش آموزگاران ابتدایی شهرستان سرعین است تا بتواند مبنایی علمی برای تدوین راهکارهای بهبود کیفیت تدریس در این منطقه فراهم آورد. در نهایت هدف از انجام این تحقیق بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش آموزگاران ابتدایی شهرستان سرعین می باشد.

روش

در این مطالعه روش پژوهش مورد استفاده بر مبنای پارادایم کمی است. پژوهش از نظر گردآوری داده ها و اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) به حساب می آید که از بین روش های توصیفی در دسته پیمایشی مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه معلمان و مدیر آموزگاران شهرستان سرعین می باشد که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مدارس شهرستان سرعین مشغول به تدریس بودند و تعداد آن ها به ۱۰۸ نفر می باشد که از بین این تعداد ۲۶ نفر مدیر آموزگار و ۸۲ نفر آموزگار می باشند به علت کم بودن جامعه آماری کلیه افراد به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه گیری غیرتصادفی (تمام شماری) انتخاب شدند.

جمع آوری اطلاعات به دو روش انجام شده است: مطالعه اسنادی و کتابخانه ای، مطالعه پیمایشی. جهت جمع آوری داده های مورد نیاز از پرسشنامه «بررسی عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش» (نصراله عرفانی، ۱۳۹۸) شامل ۴۵ سؤال و ۸ مؤلفه استفاده شد. این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت و شامل ۵ گزینه می باشد. به گزینه های خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، تا حدودی (۳)، کم (۲) و خیلی کم (۱) تعلق می گیرد. جهت بررسی پایایی پرسشنامه در این پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول زیر بود؛

جدول شماره ۱. ضریب آلفای کرونباخ

مؤلفه	تعداد سؤالات	ضریب آلفا در پژوهش اصلی	ضریب آلفا در پژوهش حاضر
جامع نگری در تدریس	۸ سؤال	۰/۸۱	۰/۸۵
حل مشکلات یادگیری	۸ سؤال	۰/۷۷	۰/۹۰
تهیه طرح درس	۵ سؤال	۰/۷۶	۰/۹۳
ایجاد جو یادگیری و مشارکتی	۴ سؤال	۰/۶۴	۰/۸۸
ارزشیابی توصیفی و کیفی	۵ سؤال	۰/۶۸	۰/۸۸
تقویت کننده های مثبت	۷ سؤال	۰/۶۰	۰/۹۱
ایجاد روحیه و جو مناسب	۴ سؤال	۰/۵۷	۰/۸۳
مدیریت زمان کلاس	۴ سؤال	۰/۵۱	۰/۸۳
کل پرسشنامه	۴۵ سؤال	۰/۹۳	۰/۹۸

در راستای بررسی روایی پرسشنامه نیز از روایی محتوایی استفاده شد و پرسشنامه توسط اساتید و صاحب نظران دانشگاهی مورد تایید واقع شد.

یافته ها

ابتدا قبل از بررسی یافته های استنباطی، یافته های جمعیت شناختی تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج به شرح جدول زیر بودند؛

جدول شماره ۲. مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان

جنسیت	متغیر جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
مدرک تحصیلی	مرد	۵۱	۴۷/۲
	زن	۵۷	۵۲/۸
	فوق دیپلم	۷	۶/۵
	لیسانس	۵۶	۵۱/۹
	فوق لیسانس	۴۲	۳۸/۹
سابقه	دکتر یا دانشجوی دکتری	۳	۲/۸
	۱ تا ۱۰ سال	۳۷	۳۴/۳
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴۵	۴۱/۷
	۲۱ تا ۳۰ سال	۲۶	۲۴/۱

یافته های دموگرافیک حاکی از آن هستند که از نظر جنسیت تعداد ۵۱ نفر مرد (۴۷/۲ درصد) و تعداد ۵۷ نفر زن (۵۲/۸ درصد) بودند. از نظر مدرک تحصیلی نیز تعداد ۷ نفر فوق دیپلم (۶/۵ درصد)، ۵۶ نفر لیسانس (۵۱/۹ درصد) و ۴۲ نفر فوق لیسانس (۳۸/۹ درصد) بودند. همچنین از نظر سابقه نیز تعداد ۳۷ نفر دارای کمتر از ۱۰ سال سابقه (۳۴/۳ درصد)، ۴۵ نفر دارای سابقه ۱۱ تا ۲۰ سال (۴۱/۷ درصد) و ۲۶ نفر دارای سابقه بالای ۲۰ سال (۲۴/۱ درصد) بودند. در ادامه جهت بررسی توزیع نرمال یا غیرنرمال داده ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول زیر بود؛

جدول شماره ۳. نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنوف

تعداد	متغیر
۱۰۸	متغیر
۱۹۶,۵۲	میانگین
۲۳,۲۵	انحراف استاندارد
۰,۱۱۰	ضریب کولموگروف

سطح اطمینان

۰,۰۰۲

با توجه به خروجی جدول و تفسیر ضرایب با توجه به اینکه مقدار ضریب کولموگروف اسمیرنوف بالای پنج صدم (۰/۱۱۰) بوده و مقدار ضریب سطح اطمینان (sig) (۰/۰۰۲) بوده و کمتر از پنج صدم می باشد و فرض نرمال بودن داده ها تأیید نمی شود و برای تحلیل داده ها باید از آزمون های غیرپارمتریک استفاده کرد.

جدول شماره ۴. فرض اول: جامع نگری تدریس بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	جامع نگری در تدریس	ضریب تأثیر	۱	۰/۸۴۴
		سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸
	تدریس اثربخش	ضریب تأثیر	۰/۸۴۴	۱
		سطح اطمینان	۰,۰۰۱	.
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه جامع نگری در تدریس به اندازه ۰/۸۴۴ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۵. فرض دوم: حل مشکلات یادگیری بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	حل مشکلات	ضریب تأثیر	۱	۰/۹۳۴
	یادگیری	سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸
	تدریس اثربخش	ضریب تأثیر	۰/۹۳۴	۱
		سطح اطمینان	۰,۰۰۱	.
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه حل مشکلات یادگیری به اندازه ۰/۹۳۴ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۶. فرض سوم: تهیه طرح درس بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	تهیه طرح درس	ضریب تأثیر	۱	۰/۸۴۷
		سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱

تعداد	۱۰۸	۱۰۸
تدریس اثربخش	ضریب تأثیر	۰/۸۴۷
	سطح اطمینان	۰,۰۰۱
تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه تهیه طرح درس به اندازه ۰/۸۴۷ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۷. فرض چهارم: ایجاد جو یادگیری و مشارکتی بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	ایجاد جو یادگیری و مشارکتی	ضریب تأثیر	۱	۰/۸۸۰
	سطح اطمینان		۰,۰۰۱	
	تعداد		۱۰۸	۱۰۸
تدریس اثربخش	ضریب تأثیر	۰/۸۸۰	۱	
	سطح اطمینان	۰,۰۰۱	۰	
	تعداد		۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه ایجاد جو یادگیری و مشارکتی به اندازه ۰/۸۸۰ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۸. فرض پنجم: ارزشیابی توصیفی و کیفی بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	ارزشیابی و کیفی	توصیفی	ضریب تأثیر	۱	۰/۹۱۶
	سطح اطمینان		۰,۰۰۱		
	تعداد		۱۰۸	۱۰۸	
تدریس اثربخش	ضریب تأثیر	۰/۹۱۶	۱		
	سطح اطمینان	۰,۰۰۱	۰		
	تعداد		۱۰۸	۱۰۸	

با توجه به خروجی جدول مؤلفه ارزشیابی توصیفی و کیفی به اندازه ۰/۹۱۶ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۹. فرض ششم: تقویت کننده های مثبت بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	تقویت	کننده های	ضریب تأثیر	۱	۰/۸۶۳
تدریس اثربخش	مثبت		سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱
			تعداد	۱۰۸	۱۰۸
			ضریب تأثیر	۰/۸۶۳	۱
			سطح اطمینان	۰,۰۰۱	.
			تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه تقویت کننده های مثبت به اندازه ۰/۸۶۳ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (Sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۱۰. فرض هفتم: ایجاد روحیه و جو مناسب بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	ایجاد روحیه و جو مناسب	و ضریب تأثیر	۱	۰/۸۸۹
تدریس اثربخش		سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸
		ضریب تأثیر	۰/۸۸۹	۱
		سطح اطمینان	۰,۰۰۱	.
		تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه ایجاد روحیه و جو مناسب به اندازه ۰/۸۸۹ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (Sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

جدول شماره ۱۱. فرض هشتم: مدیریت زمان کلاس بر تدریس اثربخش تأثیر دارد.

آزمون اسپیرمن	مدیریت کلاس	زمان	ضریب تأثیر	۱	۰/۸۵۹
تدریس اثربخش			سطح اطمینان	.	۰,۰۰۱
			تعداد	۱۰۸	۱۰۸
			ضریب تأثیر	۰/۸۵۹	۱
			سطح اطمینان	۰,۰۰۱	.
			تعداد	۱۰۸	۱۰۸

با توجه به خروجی جدول مؤلفه ایجاد روحیه و جو مناسب به اندازه ۰/۸۵۹ بر روی تدریس اثربخش تأثیر دارد و مقدار (Sig) در سطح آلفا ۰/۰۵ کوچک تر از پنج صدم می باشد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که جامع نگری در تدریس بر تدریس اثربخش به طور معناداری اثربخش است. نتایج تحلیل نشان می دهد که مؤلفه جامع نگری در تدریس بر روی تدریس اثربخش به اندازه $0/844$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد و پژوهش حاضر با پژوهش های داخلی عبدلی محمد، (۱۳۹۵)، خدایی، ثریا و همکاران (۱۴۰۰) و حسینی، سیده نسرین (۱۴۰۱) همسو می باشد. اثربخشی جامع تدریس هر دبیر، در پرتو تقابل میان معیارهای کلی شامل طراحی تدریس، اجرای آموزش، مدیریت کلاس درس، روابط انسانی، ارزشیابی و ویژگی های شخصیتی مطلوب، سنجیده و تعیین می شود. در تبیین این یافته می توان گفت، کلاس درس محیطی رسمی است که در آن معلمانی که باور دارند می توانند بر یادگیری دانش آموزان تأثیر مثبت بگذارند، تلاش می کنند فضایی امن برای یادگیری آن ها فراهم کنند که از راه تعامل با آن ها به یادگیری بهتر منجر می شود. (خدایی، ثریا و همکاران، ۱۴۰۰) اجرای تدریس مناسب ناظر به جامع نگری و ژرف اندیشی معلم، در ارائه مباحث درس دارد عرفانی نصر اله، (۱۳۹۸). بنابراین جامع نگری در تدریس بر تدریس، اثربخش است. جامع نگری در تدریس به معنای در نظر گرفتن تمامی ابعاد یادگیری، از جمله نیازهای شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان، در فرآیند آموزشی است. آموزگاری که از این رویکرد استفاده می کند، نه تنها به انتقال دانش و مهارت های علمی بسنده نمی کند، بلکه تلاش می کند تا یادگیری را با نیازها، توانایی ها و علایق دانش آموزان هماهنگ سازد. این امر موجب افزایش درگیری شناختی، ایجاد انگیزه در دانش آموزان و بهبود کیفیت یادگیری می شود. همچنین، جامع نگری در تدریس به استفاده از روش های متنوع آموزشی، نظیر آموزش فعال، یادگیری مشارکتی و بهره گیری از فناوری های آموزشی، منجر می شود که خود تأثیر مستقیمی بر افزایش کیفیت تدریس دارد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که آموزگاران که این رویکرد را در تدریس خود به کار می گیرند، با ایجاد محیطی تعاملی و پویا، نه تنها مفاهیم درسی را بهتر انتقال می دهند، بلکه به رشد مهارت های اجتماعی، تفکر انتقادی و خودتنظیمی در دانش آموزان کمک می کنند. بنابراین، تأکید بر جامع نگری در تدریس می تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای ارتقای تدریس اثربخش مورد توجه برنامه ریزان آموزشی و سیاست گذاران قرار گیرد.

فرضیه دوم پژوهش: از عوامل مهم تدریس اثربخش مقوله حل مشکلات یادگیری است. نتایج تحلیل نشان می دهد که مؤلفه حل مشکلات یادگیری بر روی تدریس اثربخش به اندازه $0/934$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد و پژوهش حاضر با پژوهش های داخلی افشارنیا، عباسی و دسترنج، (۱۳۹۷) همسو می باشد. حل مشکلات یادگیری یکی از عوامل مهم در تدریس اثربخش محسوب می شود، زیرا یادگیری دانش آموزان را از موانع و چالش های احتمالی عبور داده و فرآیند آموزش را تسهیل می کند. در محیط های آموزشی، دانش آموزان با توانایی ها، سبک های یادگیری و پیش زمینه های متفاوتی حضور دارند که برخی از آنان ممکن است در درک و یادگیری مطالب با مشکلاتی مواجه شوند. آموزگاری که به مقوله حل مشکلات یادگیری توجه دارد، با شناسایی این چالش ها، به کارگیری روش های تدریس متنوع و ارائه راهکارهای مناسب، می تواند مسیر یادگیری را برای دانش آموزان هموار کند. از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه، می توان به فراهم سازی فرصت های یادگیری فردی و گروهی، استفاده از فناوری های آموزشی، تطبیق روش های تدریس با نیازهای یادگیرندگان و ایجاد محیطی حمایتی و انگیزشی اشاره کرد. همچنین، ارزیابی مستمر و ارائه بازخورد سازنده به دانش آموزان می تواند نقش مهمی در تشخیص مشکلات یادگیری و اصلاح فرآیند تدریس داشته باشد. در نهایت، توجه به حل مشکلات یادگیری نه تنها به بهبود عملکرد

تحصیلی دانش آموزان منجر می شود، بلکه موجب افزایش اعتماد به نفس، ایجاد نگرش مثبت نسبت به یادگیری و در نتیجه، ارتقای اثربخشی تدریس خواهد شد.

فرضیه سوم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که تهیه طرح درس بر تدریس اثربخش، به طور معناداری اثربخش است. مؤلفه طرح درس بر روی تدریس اثربخش به اندازه $0/847$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد و پژوهش حاضر با پژوهش های داخلی و خارجی، مرتضوی زاده (۱۴۰۰) آقاحسینی (۱۳۸۳) ناگرو، فریز، هوکس (۲۰۱۹)، ماری لوسولمون (۲۰۰۲)، همسو می باشد. اسکریونر (۲۰۱۳) طرح درس را به عنوان یک مهارت تفکر توصیف می کند که معلم برای دستیابی به نتایج یادگیری مورد نظر باید در تهیه آن، اهداف و راهبردهای تدریس، فضای مشخص درس، دانش آموزان، وسایل کمک آموزش، تجهیزات و... را در نظر بگیرد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که تهیه طرح درس تأثیر معناداری بر تدریس اثربخش دارد. طرح درس به عنوان یک برنامه ریزی دقیق و از پیش تعیین شده برای فرایند آموزش، به آموزگار کمک می کند تا اهداف آموزشی را به صورت منظم و هدفمند دنبال کرده و یادگیری را برای دانش آموزان تسهیل کند. داشتن یک طرح درس مدون و ساختارمند باعث می شود که آموزگار بتواند محتوا را به صورت منطقی و پیوسته ارائه داده، از زمان کلاس به شکل بهینه استفاده کند و روش های تدریس خود را متناسب با سطح و نیازهای دانش آموزان تنظیم نماید. علاوه بر این، تهیه طرح درس امکان انعطاف پذیری در تدریس را افزایش داده و به آموزگار این فرصت را می دهد که در صورت نیاز، بر اساس بازخوردهای دانش آموزان، تغییرات لازم را در فرآیند آموزشی اعمال کند. همچنین، با استفاده از یک برنامه آموزشی از پیش طراحی شده، ارزیابی میزان تحقق اهداف یادگیری و بهبود روش های تدریس آسان تر خواهد شد. بر این اساس، یافته های پژوهش حاضر تأکید می کنند که تهیه و اجرای دقیق طرح درس می تواند کیفیت آموزش را افزایش داده و در نهایت، به تدریس اثربخش منجر شود.

فرضیه چهارم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که ارزشیابی یکی دیگر از مؤلفه های تأثیرگذار این پژوهش است. ارزشیابی به معنی قضاوت و داوری در مورد کیفیت فعالیت های آموزشی است. نتایج تحلیل نشان می دهد که مؤلفه ارزشیابی بر روی تدریس اندازه $0/916$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد این یافته با پژوهش های داخلی عرفانی (۱۳۹۸)، آقا حسینی (۱۳۸۴)، مرتضوی، گویا، ملکی، حسنی و غلام آزاد (۱۳۹۹)، عبدالملکی، صابر (۱۳۹۸) و محمدی، محمد (۱۳۹۴) همخوانی دارد. کیفیت کلاس درس به میزان دستیابی دانش آموزان به دانش، مهارت و نگرش های مطلوب مشخص می شود. ارزشیابی های مستمر کلاسی مبتنی بر مدیریت کلاس درس سیستمی و فرآیند مدار بوده و به صورت کیفی و عملی است. این نوع ارزشیابی ها در خدمت آموزش است. این نوع ارزشیابی ها بیشتر به دنبال نقاط و قوت شاگردان، کشف راه های جدید یادگیری و تقویت علمی و رشد اخلاقی و رفتاری دانش آموزان است ارزشیابی های کیفی توصیفی در تدریس اثربخش بوده و به هر سه حوزه یادگیری شناختی، عاطفی و عملکردی توجه دارد (آقاحسینی، ۱۳۸۳). ارزشیابی به عنوان فرایندی نظام مند برای سنجش و قضاوت درباره کیفیت فعالیت های آموزشی، نقش کلیدی در بهبود فرایند تدریس و یادگیری ایفا می کند. این فرایند به آموزگاران کمک می کند تا نقاط قوت و ضعف روش های تدریس خود را شناسایی کرده و بر اساس آن، راهبردهای آموزشی را بهینه سازی کنند. ارزشیابی نه تنها بازخوردی دقیق درباره میزان تحقق اهداف آموزشی ارائه می دهد، بلکه امکان اصلاح و بهبود مستمر شیوه های تدریس را نیز فراهم می آورد. علاوه بر این، ارزشیابی تأثیر مستقیمی بر انگیزه و عملکرد دانش آموزان دارد. زمانی که فرایند ارزشیابی به صورت اصولی و عادلانه انجام شود، دانش آموزان احساس مشارکت بیشتری در

یادگیری خواهند داشت و تلاش بیشتری برای ارتقای عملکرد خود خواهند کرد. از سوی دیگر، ارزشیابی متنوع و مستمر، به جای تمرکز صرف بر آزمون های سنتی، می تواند به درک عمیق تر مفاهیم و افزایش سطح تعامل میان معلم و دانش آموز منجر شود. بر اساس یافته های پژوهش، می توان نتیجه گرفت که ارزشیابی یکی از مؤلفه های ضروری برای تدریس اثربخش است که با ارائه بازخوردهای سازنده و اصلاح فرایندهای آموزشی، می تواند کیفیت یادگیری را بهبود بخشد و در نهایت به توسعه حرفه ای معلمان و رشد تحصیلی دانش آموزان کمک کند.

فرضیه پنجم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که ایجاد جو یادگیری و مشارکتی بر تدریس اثربخش، به طور معناداری اثربخش است. نتایج تحلیل نشان می دهد که مؤلفه ایجاد جو یادگیری و مشارکتی بر روی تدریس اندازه $0/880$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد این یافته با پژوهش های داخلی و خارجی حسن زاده، شهربانو (۱۳۹۵) و اسکیلر (۲۰۰۸) همسو می باشد. با تدریس مشارکتی به دانش آموزان اجازه داده می شود که در مورد نحوه ارزشیابی شان اظهار نظر کنند. همچنین به آنان کمک می شود که فاصله بین اهداف و سطح عملکرد خود را تشخیص دهند و به آنان مشاوره غیررسمی داده می شود، بیشتر دانش آموزان به میزان زیادی در کارهایشان درگیر شده و فعالانه عمل می کنند، تصمیمات کلاسی به طور معمول در بالاترین سطح از مشارکت گرفته می شود، هر دانش آموزی که احساس کند می تواند اثرات مثبتی داشته باشد، در بخش های مختلف کلاس همکاری و تدریس کرده و به نحو شایسته ای مورد تشویق قرار می گیرد. جو یادگیری مشارکتی به محیطی اطلاق می شود که در آن دانش آموزان به صورت فعال در فرآیند یادگیری درگیر شده و از طریق تعامل، تبادل نظر و کار گروهی، مفاهیم آموزشی را بهتر درک می کنند. این رویکرد نه تنها باعث افزایش انگیزه و اشتیاق دانش آموزان به یادگیری می شود، بلکه به توسعه مهارت های ارتباطی، تفکر انتقادی و مسئولیت پذیری آنان نیز کمک می کند. ایجاد چنین محیطی مستلزم استفاده از روش های تدریس تعاملی و دانش آموز محور است که در آن معلم نقش هدایت کننده را ایفا کرده و فرصت هایی برای بحث، همکاری و یادگیری همیارانه فراهم می کند. پژوهش ها نشان داده اند که یادگیری در یک فضای مشارکتی باعث افزایش سطح درک مفاهیم، تقویت حافظه بلندمدت و بهبود عملکرد تحصیلی می شود. علاوه بر این، جو یادگیری مشارکتی حس حمایت اجتماعی را در دانش آموزان تقویت کرده و باعث کاهش اضطراب و استرس آنان در فرآیند یادگیری می شود. بر این اساس، یافته های پژوهش حاضر تأکید می کنند که ایجاد جو یادگیری مشارکتی می تواند یکی از راهکارهای کلیدی برای ارتقای اثربخشی تدریس باشد. معلمان با بهره گیری از این رویکرد می توانند یادگیری را از یک فرآیند منفعلانه به تجربه ای پویا، لذت بخش و معنادار تبدیل کرده و در نهایت کیفیت آموزش را بهبود بخشند.

فرضیه ششم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که تقویت کننده های مثبت بر تدریس اثربخش، به طور معناداری اثربخش است. نتایج تحلیل نشان می دهد که مؤلفه تقویت کننده های مثبت روی تدریس اندازه $0/863$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می باشد این یافته با پژوهش های داخلی و خارجی حسن زاده، شهربانو (۱۳۹۵) و عرفانی، نصراله، (۱۳۹۸) و اسکیلر (۲۰۰۸) همسو می باشد. سیستم پاداش و تقویت رفتارهای مثبت که ریشه در رفتارگرایی دارد می تواند در شکل گیری یا تعدیل و اصلاح رفتارهای مرتبط با یادگیری نقش اساسی داشته باشد. معلم با استفاده از این ابزار و سایر ابزارها، کنترل و هدایت جریان یادگیری را برعهده خواهد داشت (عرفانی، نصراله، ۱۳۹۸). تقویت کننده های مثبت به هر نوع بازخورد، پاداش یا محرکی اطلاق می شود که موجب افزایش انگیزه، تقویت رفتارهای مطلوب و بهبود عملکرد یادگیری در دانش آموزان می شود. استفاده از این تقویت کننده ها در فرآیند تدریس نه تنها موجب افزایش علاقه و اشتیاق دانش آموزان به یادگیری می شود، بلکه به

آن‌ها احساس موفقیت و اعتماد به نفس می‌بخشد. معلمان می‌توانند از روش‌های مختلفی برای ارائه تقویت‌کننده‌های مثبت استفاده کنند، از جمله تشویق‌های کلامی، ارائه بازخورد سازنده، ایجاد فرصت‌های موفقیت، استفاده از پاداش‌های آموزشی و فراهم‌سازی محیطی حمایتی و انگیزشی. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زمانی که دانش‌آموزان در قبال تلاش‌های خود، بازخورد مثبت دریافت کنند، احتمال تکرار رفتارهای مطلوب در آن‌ها افزایش می‌یابد و یادگیری به تجربه‌ای لذت‌بخش و مؤثر تبدیل می‌شود. بر این اساس، یافته‌های پژوهش حاضر تأکید می‌کنند که بهره‌گیری از تقویت‌کننده‌های مثبت می‌تواند نقش مهمی در افزایش کیفیت تدریس و یادگیری داشته باشد. معلمانی که از این راهبردها استفاده می‌کنند، نه تنها موجب افزایش تعامل و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس می‌شوند، بلکه فضای آموزشی را به محیطی پراگیزه، حمایتگر و پویا تبدیل می‌کنند که در آن دانش‌آموزان احساس ارزشمندی و توانمندی بیشتری می‌کنند.

فرضیه هفتم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حل مشکلات بر تدریس اثربخش، به‌طور معناداری اثربخش است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مؤلفه حل مشکلات بر تدریس اثربخش روی تدریس اندازه $0/934$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می‌باشد این یافته با پژوهش‌های داخلی و خارجی (افشارنیا، عباسی و دسترنج، ۱۳۹۷) همسو می‌باشد. فرضیه‌ی پژوهش حاضر بیان می‌کند که توانایی در حل مشکلات تأثیر قابل توجهی بر تدریس اثربخش دارد. به عبارت دیگر، معلمانی که مهارت‌های حل مسئله بالاتری دارند، قادرند در جریان تدریس خود به‌طور مؤثرتری عمل کنند. این معلمان می‌توانند مشکلات مختلفی که در محیط کلاس درس به وجود می‌آید، از جمله چالش‌های یادگیری دانش‌آموزان، مشکلات رفتاری یا محدودیت‌های منابع آموزشی را شناسایی کرده و راه‌حل‌هایی مناسب برای آنها پیدا کنند. توانایی در حل این مشکلات به معلمان این امکان را می‌دهد که تدریس خود را به‌طور بهینه تنظیم کرده و محیطی مساعد برای یادگیری ایجاد کنند. در نتیجه، حل مشکلات باعث می‌شود که تدریس معلم به شکلی مؤثرتر انجام شود و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان به‌طور معناداری افزایش یابد.

فرضیه هشتم پژوهش: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت زمان بر تدریس اثربخش، به‌طور معناداری اثربخش است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که مؤلفه مدیریت زمان بر روی تدریس اندازه $0/859$ تأثیر دارد و سطح اطمینان ($sig=0/001$) می‌باشد این یافته با پژوهش‌های داخلی و خارجی فضلی خانی (۱۳۸۲) و بیوکس (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. بیوکس (۲۰۰۶) معتقد است یکی از چالش‌های معلمان مهارت در مدیریت زمان است. مدیریت زمان به فعالیت‌هایی اشاره می‌کند که استفاده مؤثر از زمان را به‌منظور تسهیل بهره‌وری و کاهش استرس به عهده دارند. مدیریت زمان به معنای حداکثر استفاده از زمان برای بهره‌وری و موفقیت است؛ مدیریت زمان شامل تهیه و اجرای جدول زمانی برای فعالیت‌های مختلف آموزشی از قبیل؛ تدریس مواد درسی، مشاوره و راهنمایی معلمان، تخصیص زمان به فعالیت‌های فردی دانش‌آموزان، سازمان‌دهی و آماده‌سازی فعالیت‌های فوق‌برنامه است (ظفراله و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت زمان بر تدریس اثربخش، به‌طور معناداری اثربخش است. به عبارت دیگر، معلمان با توانایی مدیریت مناسب زمان می‌توانند تدریس مؤثرتری انجام دهند. زمانی که معلم قادر به برنامه‌ریزی صحیح و استفاده بهینه از زمان در کلاس باشد، می‌تواند تمام مطالب درسی را به‌طور کامل و در زمان مقرر پوشش دهد و از ایجاد استرس ناشی از کمبود وقت جلوگیری کند. همچنین، مدیریت زمان مناسب به معلم این امکان را می‌دهد که تعاملات مؤثرتری با دانش‌آموزان داشته باشد و به نیازهای فردی هر یک از آنان پاسخ دهد. در نهایت، این مدیریت زمان به معلمان کمک می‌کند تا فرصت‌های بیشتری برای تدریس و یادگیری فراهم کنند و

کیفیت تدریس خود را افزایش دهند. بنابراین، مهارت در مدیریت زمان موجب می شود که فرایند تدریس به شیوه ای اثربخش تر و مفیدتر برای دانش آموزان پیش برود. محدودیت های تحقیق در این پژوهش می توانند شامل موارد زیر باشند:

- جامعه آماری محدود: جامعه آماری این پژوهش تنها شامل معلمان و مدیران مدارس شهرستان سرعین است که تعداد آنها ۱۰۸ نفر است. این محدودیت باعث می شود که نتایج پژوهش نتواند به طور کلی به دیگر مناطق یا شهرستان ها تعمیم یابد.
- استفاده از روش نمونه گیری غیرتصادفی (تمام شماری): از آنجا که روش نمونه گیری غیرتصادفی (تمام شماری) استفاده شده است، این امر ممکن است بر تعمیم پذیری نتایج تأثیر بگذارد. به طور خاص، ممکن است نتایج پژوهش صرفاً برای این جامعه خاص معتبر باشد و نتایج آن به سایر جوامع آموزشی قابل تعمیم نباشد.
- محدودیت در داده های دست اول: چون جامعه آماری محدود است و از روش تمام شماری استفاده شده، ممکن است داده ها به طور کامل نماینده همه آموزگاران و مدیران در شهرستان سرعین نباشند، به ویژه اگر برخی افراد همکاری نکرده یا به طور کامل اطلاعات دقیق را ارائه نداده باشند.
- محدودیت در زمان پژوهش: زمان محدود برای انجام پژوهش می تواند بر کیفیت جمع آوری داده ها تأثیر بگذارد و ممکن است نتایج دقیق یا کاملی از وضعیت تدریس اثربخش در تمام مدارس به دست نیاید.
- محدودیت در دسترسی به منابع: ممکن است محدودیت هایی در دسترسی به اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل جامع و کامل از عوامل مؤثر بر تدریس اثربخش وجود داشته باشد، به ویژه اگر برخی از معلمان یا مدیران تمایل به اشتراک گذاری داده ها نداشته باشند.
- تنوع کم در ویژگی های جغرافیایی: پژوهش فقط در یک شهرستان (سرعین) انجام شده است و این محدودیت ممکن است به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی در مناطق دیگر توجه نکند. این محدودیت ها می توانند تأثیراتی بر نتایج و تعمیم پذیری یافته های پژوهش داشته باشند.

پیشنهادهای

با توجه به یافته های تحقیق که نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین مؤلفه های مختلف و تدریس اثربخش هستند، پیشنهادات کاربردی به شرح زیر می باشند:

- تقویت مهارت های جامع نگری معلمان: به منظور ارتقای تدریس اثربخش، معلمان باید به طور مداوم بر مهارت های جامع نگری خود تمرکز کنند. این می تواند از طریق آموزش های تخصصی و کارگاه های آموزشی برای معلمان در جهت بهبود توانایی های تفکر سیستمی و نگاه کلی به فرآیند تدریس باشد.
- آموزش و ارتقای مهارت های حل مشکلات یادگیری: توجه بیشتر به مهارت های حل مشکلات یادگیری برای معلمان می تواند به بهبود فرایند تدریس کمک کند. معلمان باید آموزش های لازم را برای شناسایی و برطرف کردن مشکلات یادگیری دانش آموزان دریافت کنند.
- ارائه آموزش های مرتبط با طراحی و استفاده از طرح درس: معلمان باید به طور مؤثر از طرح درس استفاده کنند. آموزش های عملی برای طراحی طرح های درسی منسجم، هماهنگ با نیازهای دانش آموزان و متناسب با اهداف آموزشی می تواند به تدریس اثربخش تر کمک کند.

- ترویج یادگیری مشارکتی در کلاس: معلمان باید فضاهایی برای یادگیری مشارکتی ایجاد کنند. استفاده از روش های تدریس فعال مانند گروه های کوچک و پروژه های مشترک می تواند به تقویت همکاری و تعامل میان دانش آموزان و بهبود فرآیند یادگیری کمک کند.
- تقویت روش های ارزشیابی مناسب: ارزشیابی های مستمر و سازنده از عملکرد دانش آموزان می تواند به معلمان در شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان کمک کند و آن ها را در اصلاح روش های تدریس خود یاری دهد. برگزاری ارزشیابی های تشخیصی، تکوینی و نهایی به طور منظم می تواند موجب بهبود تدریس شود.
- استفاده از تقویت کننده های مثبت: معلمان باید از تقویت کننده های مثبت به عنوان ابزاری برای افزایش انگیزه و عملکرد دانش آموزان استفاده کنند. ایجاد پاداش های انگیزشی و بازخوردهای مثبت می تواند تأثیر زیادی در بهبود محیط یادگیری و تدریس اثربخش داشته باشد.
- ایجاد روحیه و جو مناسب در کلاس: معلمان باید فضایی حمایتی و تشویقی برای دانش آموزان ایجاد کنند که احساس امنیت و اعتماد به نفس را در آن ها تقویت کند. این کار می تواند منجر به افزایش مشارکت و انگیزه برای یادگیری در دانش آموزان شود.
- مدیریت زمان مؤثر در تدریس: مدیریت زمان مناسب در کلاس درس بسیار حیاتی است. معلمان باید به طور مؤثر زمان خود را برای پوشش مطالب مختلف و همچنین فرصت های تعامل با دانش آموزان تنظیم کنند. آموزش معلمان در این زمینه می تواند تأثیر زیادی بر کیفیت تدریس و یادگیری داشته باشد.
- اجرای این پیشنهادات می تواند منجر به بهبود کیفیت تدریس و عملکرد دانش آموزان گردد و تدریس را به شیوه ای مؤثرتر و کارآمدتر تبدیل کند.

منابع

- آقاحسینی، تقی (۱۳۸۳). بررسی مدیریت کلاس درس معلمان مدارس دوره راهنمایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۴-۸۳. سازمان آموزش و پرورش اصفهان، شورای تحقیقات.
- حسین زاده و محمد ی خانقاهی، امید علی، محمد (۱۳۹۴). تدوین و اعتباریابی مدل تدریس اثربخش برای اساتید دانشگاه تبریز. نشریه علمی- پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۹۱-۷۷.
- حسینی، سیده نسرین؛ حسینی، سید حسام؛ سبحانی نژاد، مهدی و محمدی نیک، فاتح (۱۴۰۱). تبیین پدیدار شناختی ادراک معلمان سرآمد از ابعاد و مؤلفه های فلسفه معلّمی خود. فصلنامه پژوهش های فلسفی، ۱۶ (۳۹) ۳۴۹-۳۳۱.
- خدایی، ثریا و همکاران، (۱۴۰۰) شناسایی مؤلفه های اثرگذار بر تدریس اثربخش معلمان مطالعه موردی: معلمان ریاضی در دوره متوسطه فصلنامه نوآوری های مدیریت آموزشی، ۱۶، ۳، ۶۳، ۱۳-۲۹.
- راستگو واحمدی، بلقیس وصفیا (۱۳۹۹). مروری بر تدریس اثربخش، عوامل موثر در تدریس معلمان و معرفی روشهایی برای پویاتر کردن تدریس. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۲۱۰-۲۱۱، ۴۴، ۲۰۱.

عبدالملکی، صابر (بهار و تابستان ۱۳۹۸). مؤلفه های اثرگذار بر تدریس اثربخش معلمان مطالعه مورد: معلمان پایه پنجم دوره ابتدایی شهر تهران. نشریه علمی، ۱۶، ۱، ۱۳۵-۱

عرفانی، محمودی، جمهری، نیوشا، نصراله، حشمت اله، فرهاد، بهشته (۱۳۹۸) تدوین و اعتبار یابی پرسشنامه تدریس ثربخش آموزگاران. دانشگاه فرهنگیان. دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی. هشتم، بیستم عظیمی، سید علی (۱۳۹۸). تدریس مؤثر و اثربخش پایگاه دیار من گیلان. برگرفته از لینک

<http://saazimi.blogfa.com/post/17>

محمودی، محمد (۱۳۹۴). تدوین و اعتباریابی مدل تدریس اثربخش برای اساتید دانشگاه تبریز. نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی. هشتم، ۳۱، ۷۷-۹۱.

مرتضوی، مرتضی؛ گویا، زهرا؛ حسنی، محمد؛ ملکی، حسن؛ غلام آزاد، سهیلا (۱۳۹۹). ضرورت تدوین معیارهای روبکرد کیفی برای اجرای موفقیت آمیز ارزشیابی توصیفی درس ریاضی دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۵، ۵۷، ۴۰-۵.

مطلبی فرد، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی و شناسایی نشانگرهای حرفه ای و اخلاقی در آموزش و تدریس یک مطالعه کیفی فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ششم، ۴.

منصوری، سیروس و همکاران (۱۳۹۶). بررسی میزان اثربخشی آموزش با رویکرد حل مسأله بر عملکرد تحصیلی دانشجویان. نیاز آذری، کیومرث. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر شادابی و نشاط در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهرستان ساری. مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۲ (۳)، ۳۵-۵۷.

Fareh, S. (2018). Planning and class management. The TESOL Encyclopedia of English Language Teaching, 1-6

Killen, C. (1998), 'Creating positive interpersonal relationships in the classroom', Journal for Effective Teaching Strategies 3, 70-73.

Min, M., Lee, H., Hodge, C., & Croxton, N. (2022). What empowers teachers to become social justice-oriented change agents? Influential factors on teacher agency toward culturally responsive teaching. Education and Urban Society, 54(5), 560-584.

Petrovici, M., A., (2012). Effective methods of learning and teaching: a sensory approach, 3rd World conference on learning, teaching and educational leadership, 93, 146-150

Polk, J. A. (2006). Traits of effective teachers. Arts Education policy Review, 107 (4):23-29

Sancar, R., Atal, D., & Deryakulu, D. (2021). A new framework for teachers' professional development. Teaching and teacher education, 101, 103305.

Scheeler, M. C. (2008). Generalizing Effective teaching skills: The missing link in teacher Preparation. Journal Behavioral Education, 17(2), 145-159.

Scrivener, J. (2013). Learning teaching: The essential guide to English language teaching (3rd ed.). Oxford, England: Macmillan.

